

معرفی مدل مناسب اندازه‌گیری شاخص حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری بدون ربا (محاسبه آن در یک بانک نمونه)

مهدی قاسمی علی آبادی

دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

ghasemi.mehdi89@amail.com

علی نصیری اقدام

استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

alin110@atu.ac.ir

اجرای صحیح اصول حاکمیت شرکتی به عنوان ابزار مهمی در ایجاد ثبات و سلامت یک نهاد مالی در نظر گرفته می‌شود. همچنین ارزیابی میزان رعایت اصول حاکمیت شرکتی برای اطمینان از تداوم حیات بلندمدت یک تشکیلات اقتصادی برای ناظران بیرونی اهمیت بالایی دارد. بر این اساس هدف مقاله حاضر معرفی سازوکار مناسبی برای اندازه‌گیری شاخص حاکمیت شرکتی در بانک‌های کشور و محاسبه آن برای یک بانک نمونه از طریق مجموعه‌ای از معیار، مؤلفه و شاخص‌های قابل ارزش‌گذاری می‌باشد. این روش کمک خواهد کرد تا امتیاز یک بانک، در مقایسه با سایر بانک‌ها در سطح رعایت اصول ۴گانه حاکمیت شرکتی - شامل مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، شفافیت و انصاف - محاسبه و رتبه بانک مشخص گردد. همچنین برای ارزش‌گذاری ضرایب اهمیت هر کدام از معیار و مؤلفه‌های انتخاب شده از نظرات خبرگان استفاده شده است و ارزش هر کدام از شاخص‌های فرعی برای محاسبه شاخص نهایی حاکمیت شرکتی برای بانک نمونه، از طریق اطلاعات منتشر شده و سایر اطلاعات آن بانک تعیین شده است.

طبقه‌بندی JEL: C32، H62، O44

واژگان کلیدی: شاخص حاکمیت شرکتی، ارزیابی، بانک نمونه، بانکداری بدون ربا

۱. مقدمه

یکی از الزامات رکن دوم از مجموعه ارکان سه‌گانه کمیته بال (مدیریت ریسک و نظارت) که در سند موسوم به بال ۳ منتشر شده، عبارتست از استقرار نظام حاکمیت شرکتی مطلوب توسط یک بانک به عنوان عامل اصلی ایجاد و تقویت سلامت. در مجموعه رهنمودهای این کمیته که منطبق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه می‌باشد، هدف اصلی پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی حفاظت از منافع ذینفعان در راستای منافع عمومی مبتنی بر رویه‌های پایدار معرفی شده است. در نظام بانکداری خرد منافع سپرده‌گذاران نسبت به منافع سهامداران در اولویت بالاتری قرار دارد (رهنمودهای کمیته بازل؛ ۲۰۱۵).

همچنین سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه مهمترین هدف خود در ارائه اصول حاکمیت شرکتی را کمک به دولت‌ها برای ارزیابی و بهبود چارچوب حاکمیت شرکتی و ارائه رهنمودهایی برای ناظران بازارهای مالی اعلام نموده است. بر این اساس حاکمیت شرکتی را تعیین‌کننده نحوه تفویض اختیار و مسئولیت در اموری معرفی می‌کنند که توسط مدیر ارشد و هیأت مدیره اداره می‌شوند.

بعلاوه می‌توان حاکمیت شرکتی را به عنوان یک نوآوری نهادی^۱ کاهنده هزینه مبادله مطرح کرد. اگر فعالان اقتصادی قادر نیستند کسب و کارهای بزرگ مقیاس خود را از طریق بازار سرمایه تأمین مالی کرده و مجبور به استفاده از روش‌های پرهزینه می‌شوند تا حد زیادی به دلیل آن است که سرمایه‌گذاران اطمینان ندارند که از سرمایه آنها در جهت منافع خود و به زیان آنان بهره‌برداری نمی‌کنند (نصیری اقدم و مرتضوی؛ ۱۳۹۶).

اجرای مطلوب اصول راهبری شرکتی در نظام بانکی این امکان را برای ناظران فراهم می‌کند تا بر فرآیندهای داخلی بانک اعتماد بیشتری پیدا نمایند. تجربیات بخش‌های نظارتی نشان می‌دهد

1. Institutional Innovation

چنانچه سطح مناسبی از اختیار، مسئولیت، پاسخگویی، شفافیت و کنترل بیشتری بر هر موسسه اعتباری وجود داشته باشد، بازرسان اعتبار بیشتری برای انطباق نحوه عملکرد مدیران ارشد و حتی هیأت مدیره با مقررات موضوعه قائل هستند (رهنمودهای کمیته بازل؛ ۲۰۱۵).

هدف مقاله حاضر این است که با مبنا قرار دادن اصول حاکمیت شرکتی که در ادامه تبیین خواهند شد، مدل مناسبی برای امتیازدهی سطح رعایت حاکمیت شرکتی در نظام بانکی بدون ربای کشور را مبتنی بر ادبیات، مقررات وضع شده و نظر خبرگان معرفی نموده و با استفاده از اطلاعات درونی و منتشر شده یک بانک نمونه، شاخص حاکمیت شرکتی (CGI¹) را برای آن محاسبه نماید. بر این اساس مجموعه‌ای از معیار، مؤلفه و شاخص‌های قابل سنجش برای محاسبه امتیاز حاکمیت شرکتی تعریف شده و بر مبنای آن مدل مناسب برای اندازه‌گیری ارائه خواهد شد. همچنین در نوشتار حاضر با بهره‌گیری از نظر خبرگان ضرایب اهمیت هر کدام از معیارهای اندازه‌گیری و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی محاسبه و مبتنی بر مبانی موجود ابتدا میزان ارزشی که می‌توان در دامنه صفر تا یک برای هر کدام از شاخص‌های فرعی در نظر گرفت تعیین شده و سپس ارزش هر کدام برای بانک نمونه تعیین و در انتها با استفاده از یک مدل ساده ریاضی اندازه شاخص حاکمیت شرکتی برای آن بانک محاسبه شده است. استفاده از این مدل ارزیابی کمک می‌کند تا بانک‌های کشور از نظر میزان رعایت اصول حاکمیت شرکتی و پیاده‌سازی آن رتبه‌بندی شده و نقاط قوت و ضعف آنها شناسایی شوند که می‌تواند زمینه را مناسبی برای انجام مطالعات آتی فراهم آورد.

بر این اساس چارچوب مقاله به این شکل است که در بخش نخست به بیان نظری حاکمیت شرکتی و ابعاد مختلف آن از نگاه نهادهای بین‌المللی و متون مرتبط پرداخته شده است. در بخش دوم با هدف معرفی معیارهای مورد استفاده برای ارزیابی حاکمیت شرکتی، مهمترین مطالعات انجام شده در ایران و سایر کشورها مرور شده است. در بخش سوم با مبنا قرار دادن اصول ۴ گانه حاکمیت شرکتی و مراجعه به اسناد مرتبط، مدل مناسب ارزیابی حاکمیت شرکتی شامل معیار،

1. Corporate Governance Index

مؤلفه و شاخص‌های فرعی برای اندازه‌گیری شاخص حاکمیت شرکتی در یک بانک معرفی شده است. همچنین در این مطالعه به منظور امکان ارزش‌گذاری شاخص‌های فرعی با استفاده از اطلاعات یک بانک، دامنه ارزشی که می‌توان بر اساس الزامات و مقررات به یک بانک اختصاص داد تعیین شده است. در بخش پایانی هم علاوه بر جمع‌بندی پیشنهاداتی برای مطالعات آتی بیان شده است.

۲. مبانی نظری

امروزه ذینفعان، سرمایه‌گذاران، نهادهای قانون‌گذار و سایر گروه‌های حرفه‌ای علاقه بسیار زیادی در مورد کسب اطلاعات حاکمیت شرکتی و به خصوص رتبه شرکت‌ها از نظر رعایت اصول حاکمیت شرکتی از خود نشان می‌دهند. (حساس یگانه و سلیمی؛ ۱۳۹۰). سرمایه‌گذاران می‌توانند از طریق حاکمیت شرکتی مطلوب و ایجاد حفاظ قانونی بهتر، سود بیشتری به دست آورده و از طریق پرداخت سود بالاتر به ارزش سهام بالاتری برای شرکت خود دست پیدا کنند (لاپورتا و دیگران؛ ۲۰۰۲).

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، حاکمیت شرکتی^۱ را اینگونه تعریف کرده است: «مجموعه روابطی که میان مدیریت، هیأت مدیره، سهامداران و دیگر اشخاص ذینفع یک شرکت وجود داشته و تعیین‌کننده ساختاری است که توسط آن اهداف شرکت تدوین و ابزار دستیابی به آنها و نظارت بر عملکرد مشخص می‌شود. همچنین در واحدهای بانکی حاکمیت شرکتی را شیوه اداره امور تجاری دانسته‌اند که این امر شامل ترسیم وضعیت ریسک یک بانک، اولویت‌بندی فعالیت‌ها بر مبنای آن و صیانت از منافع سپرده‌گذاران و سایر ذینفعان می‌باشد» (اصول ۱۴ گانه حاکمیت شرکتی کمیته بازل؛ ۲۰۱۰).

اسلوان (۲۰۰۱) راهبری شرکتی را مکانیزم‌هایی برای کاهش مشکلات ناشی از جدایی مالکیت از مدیریت در واحدهای تجاری معرفی کرده است. طبق تئوری نمایندگی مدیران ممکن

1. Corporate Governance

است منافع شخصی خود را بر حقوق سهامداران ترجیح دهند. این تضاد منافع مانعی است برای حداکثر شدن ارزش شرکت‌ها و ایجاد هزینه‌های نمایندگی^۱ (پیلیام و همکاران؛ ۲۰۰۳).

رویه‌های حاکمیت شرکتی تلاشی است برای تعادل بین تضاد منافع مدیران و مالکین و ایجاد مکانیزم کنترلی برای افزایش ارزش سهامداران و رضایت ذینفعان. همچنین حاکمیت شرکتی رویه‌ای است برای تعادل بین اهداف اقتصادی و اجتماعی یک بنگاه از منظر جنبه‌هایی نظیر استفاده کارآمد از منابع، پاسخگویی در استفاده از قدرت و رفتار شرکت در محیط اجتماعی، توزیع منصفانه مسئولیت‌ها و حفظ استقلال هیأت مدیره و تسهیل عملکرد پایدار (موسسه پایداری و مسئولیت اجتماعی شرکتی؛ ۲۰۱۷).

موسسه پایداری و مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSRS^۲) به عنوان یکی از مراجع اصلی حاکمیت شرکتی، اصول چهارگانه زیر را به عنوان اصول حاکمیت شرکتی خوب معرفی کرده است:

- شفافیت^۳
- پاسخگویی^۴
- مسئولیت‌پذیری^۵
- انصاف^۶

لویت (۱۹۸۵) شفافیت را استانداردهای مناسب و مطلوب حسابداری می‌داند که صورت‌های مالی تهیه شده را در همان دوره وقوع گزارش نماید. اصول حاکمیت شرکتی باید متضمن افشای به هنگام و دقیق تمام موضوعات مهم از جمله وضعیت مالی، عملکرد، مالکیت و حاکمیت شرکت باشد. افشای صحیح اطلاعات یک نهاد مالی باید دارای این ویژگی‌ها باشد:

۱. هزینه نمایندگی عبارت است از تفاوت بین حداکثر ارزش قابل دسترسی در شرکت و ارزش واقعی بدست آمده.

2. Corporate Social Responsibility and Sustainability

3. Transparency

4. Accountability

5. Responsibility

6. Fairness

• شامل اطلاعات مهم در رابطه با اهداف و دستاوردهای مالی و عملیاتی، مالکیت عمده سهام و حقوق رأی‌دهی، سیاست تعیین حق‌الزحمه هیأت مدیره و مدیران اجرایی اصلی، اطلاعات در مورد هیأت مدیره، فرآیند انتخاب آنها، عضویت آنها در سایر شرکت‌ها، معامله با اشخاص وابسته، عوامل قابل پیش‌بینی ریسک و... باشد.

• باید مطابق با استانداردهای باکیفیت بالای حسابداری، مالی و غیر مالی باشد.

در سال ۱۹۶۱ جورج گویدر در کتاب سازمان پاسخگو مقوله ذینفعان سازمانی و پاسخگویی به آنها را مطرح و عنوان کرد سازمان‌ها در قبال همه ذینفعان خود مسئول بوده و باید به آنها حساب پس دهند. تئوری ذینفعان به تدریج از دهه ۱۹۷۰ توسعه یافت و یکی از نخستین توضیحات در مورد آن را فریمن ارائه داد. او تئوری عمومی شرکت را مطرح و مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی شرکت‌ها را به گروه گسترده‌ای از ذینفعان پیشنهاد کرد (حساس یگانه؛ ۱۳۸۴). اساس تئوری ذینفعان به این صورت است که شرکت‌ها بسیار بزرگ شده‌اند و تأثیر آنها بر جامعه آنچنان عمیق است که باید بجز سهامداران، به طیف بسیار گسترده‌تری از جامعه نیز توجه و پاسخگو باشند (هیل و دیگران؛ ۱۹۹۲).

بسیاری از نویسندگان ذینفعان را کسانی می‌دانند که در بنگاه به گسترده‌ترین مفهوم نفع قانونی دارند. در چارچوب مفهوم توسعه پایدار شرکت‌ها برای اثرات فعالیت‌های خود بر محیط و جامعه متعهد هستند (حساس یگانه و برزگر؛ ۱۳۹۳). مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به مشارکت داوطلبانه و فرا قانونی آنها برای تحقق توسعه پایدار اشاره دارد و روشی است برای کاهش شکاف بین سطح افشای اطلاعات در قالب گزارشگری مورد نظر شرکت و انتظارات ذینفعان با رویکرد توسعه پایدار (مولینا؛ ۲۰۱۰).

از اواسط قرن بیستم، عنوان مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها^۱ (CSR) وارد ادبیات مدیریت شده و در بسیاری از محافل سیاسی، اقتصادی و علمی کشورهای پیشرفته و در حال توسعه به یک دغدغه مهم تبدیل شده است (فغانی ماکرانی و دیگران؛ ۱۳۹۵). برخی از محققان مسئولیت اجتماعی را

1. Corporate Social Responsibility

به عنوان فعالیت‌هایی تعریف می‌کنند برای پیشرفت بعضی اهداف اجتماعی که فراتر از اهداف مالی هستند (ام سی ویلیام؛ ۲۰۰۱ و هرجوتو؛ ۲۰۱۱).

رعایت اصل انصاف علاوه بر آنکه به‌طور غیر مستقیم در سه اصل دیگر حاکمیت شرکتی نهفته است، به این نکته اشاره دارد که بنگاه در برخورد با تمامی سهامداران خود اعم از خرد و عمده برخورد یکسان داشته باشد (فردوسی؛ ۱۳۹۳). نمونه بارز و مشخص رعایت اصل انصاف افشای درست و به موقع اطلاعات است تا از این طریق تمامی سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه بتوانند بر اساس یک اطلاعات مشترک تصمیم‌گیری نمایند.

۳. پیشینه تحقیق

به منظور اندازه‌گیری و رتبه‌بندی حاکمیت شرکتی، مؤلفه‌های متنوعی توسط صاحب‌نظران بکار گرفته شده است. ساختار هیأت مدیره، ساختار مالکیت - از نظر دولتی، خصوصی یا نهادی بودن - ساختار حاکمیتی، برنامه‌های پاداش برای مدیران اجرایی و غیره از جمله معیارهایی است که در اکثر مدل‌های رتبه‌بندی حاکمیت شرکتی مورد استفاده قرار گرفته‌اند (یگانه؛ ۱۳۹۰). سازمان‌های بین‌المللی مثل گلکس لویزاند کو^۱، خدمات سهامدار نهادی^۲، گاورننس متریکس اینترنشنال^۳، کورپوریت لایبری^۴، استاندارداند پورز^۵ و مودیز اینوستمنت سرویس^۶ رتبه‌بندی‌های مختلفی از حاکمیت شرکتی را منتشر می‌کنند که اغلب توسط سهامداران نهادی در ارزیابی بازده‌های سهام و توسط دارندگان اوراق قرضه در تعیین نرخ استقراض مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بررسی اجزای مدل‌های حاکمیت شرکتی در تحقیقات انجام شده در سطح کشورهای مختلف و مؤسسات رتبه‌بندی بین‌المللی نشان می‌دهد که شاخص‌های اثر مالکیت، حقوق

-
1. Glass Lewis and Co
 2. Institutional Shareholder Services
 3. Governance Metrics International
 4. Corporate Library
 5. Standards and Poors
 6. Moody's Investment Service

سهامداران، شفافیت و اثر بخشی هیأت مدیره در بیشتر آنها مشترک می‌باشند (حساس یگانه، ۱۳۹۰). در جدول شماره (۱) به برخی از مطالعات اشاره شده است.

جدول ۱. مؤلفه‌های مورد استفاده برای ارزیابی حاکمیت شرکتی در برخی از مطالعات.

نویسنده	سال	کشور	مؤلفه‌های بکار رفته در ارزیابی حاکمیت شرکتی
بلک ^۱ و همکاران	۲۰۰۶	کره جنوبی	حقوق سهامداران، هیأت مدیره، مدیران بیرونی، کمیته حسابرسی و حسابرسان داخلی، افشاء به سرمایه‌گذاران، پراکندگی مالکیت
عطیه و روبینا ^۲	۲۰۰۶	پاکستان	هیأت مدیره، مالکیت و سهامداری، شفافیت و افشاء و حسابرس
بائر ^۳ و همکاران	۲۰۰۴	انگلستان	استفاده از مدل رتبه‌بندی طراحی شده توسط دمنینور کورپرت گاورننس ریتینگ ^۴
ردوپتز ^۵ و همکاران	۲۰۰۴	آلمان	تعهدات حاکمیتی، حقوق سهامداری، شفافیت، موضوعات مدیریتی و نظارتی هیأت مدیره و حسابرسی
گامپرز ^۶ و همکاران	۲۰۰۳	آمریکا	۲۴ عامل مختلف نظیر وجود سهام ممتاز، اصلاحات اساسنامه‌ای، قانون فروش سهام کنترلی، هیأت مدیره طبقه‌بندی شده، طرح‌های پاداش، قراردادهای مدیران، قانون تحصیل سهام کنترلی، رأی گیری جمعی، وظایف مدیران، محدودیت‌های بدهی مدیران، محدودیت‌های مجامع خاص و حق رأی گیری نابرابر
دی جونگ ^۷ و همکاران	۲۰۰۵	هلند	ساختار سازمانی، حق رأی، ویژگی‌های هیأت مدیره، سهامداران عمده بیرونی، ویژگی‌های بدهی و تأمین مالی
بلک	۲۰۰۱	روسیه	متغیرهای افشاء و شفافیت، رقیق نمودن سهام از طریق انتشار سهام جدید، قیمت‌گذاری انتقالات داخلی، رقیق نمودن سهام از طریق ادغام و تجدید ساختار، ورشکستگی، محدودیت‌های مالکیت خارجی و نگرش مدیریت به سهامداران

مأخذ: نتایج تحقیق

1. Black
2. Attiya and Robina
3. Bauer
4. Deminor Corporate Governance Rating
5. Drobetz
6. Gompers
7. De Jong

شاخص‌های راهبری شرکتی بین ۲ تا ۱۰۰ معیار از مکانیزم‌های آن را در برمی‌گیرد و بستگی به بستر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور دارد (نمازی و همکاران؛ ۱۳۹۲). به عنوان مثال شاخص‌هایی که اکثر مکانیزم‌های راهبری شرکتی را تحت پوشش قرار می‌دهد در اروپا و انگلستان توسط بائر و همکاران (۲۰۰۴)، در آلمان توسط درابتز و همکاران (۲۰۰۴)، در برزیل توسط سیلوریا (۲۰۰۴)، در روسیه توسط بلک (۲۰۰۱)، در کره توسط بلک و همکاران (۲۰۰۶) و در آمریکا توسط گامپرز و همکاران (۲۰۰۳) ایجاد شده است (نمازی و همکاران؛ ۱۳۹۲).

در ایران آقای حساس یگانه در پژوهشی تحت عنوان «مدلی برای رتبه‌بندی حاکمیت شرکتی در ایران» مدلی بر مبنای ۴ مؤلفه اثر مالکیت، حقوق سهامداران، شفافیت و اثربخشی برای رتبه‌بندی شرکت‌های بورسی ارائه نموده است. در این مدل به منظور محاسبه شاخص حاکمیت شرکتی از پژوهش چی (Chi, 2005) استفاده شده است و برای هر یک از مؤلفه‌ها تعدادی معیار برای هر معیار نیز تعدادی شاخص تعریف و با استفاده از نظر خبرگان و روش‌های آماری ضرایب اهمیت هر کدام از آنها را به دست آورده است (حساس یگانه و سلیمی؛ ۱۳۸۹).

همچنین سازمان بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۹۳) پس از مطالعه روش‌های رتبه‌بندی شرکت‌ها از منظر حاکمیت شرکتی و انجام مطالعه تطبیقی در مورد روش‌های رتبه‌بندی در بورس‌های برخی از کشورها از جمله بورس لندن، نیویورک، فیلیپین، مالزی، هند، برزیل، پاکستان و ترکیه، ضمن محاسبه شاخص حاکمیت شرکتی، برای اولین بار اقدام به تعیین امتیاز و رتبه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نموده است. پرسشنامه مورد استفاده در این مطالعه شامل ۴ بخش حقوق سهامداران و ذی‌نفعان، هیأت مدیره و کمیته‌های آن، حسابرسی و پاسخگویی و افشای اطلاعات بوده است.

آقایان دادگر و نادری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «محاسبه شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران» این شاخص را بر مبنای سه مؤلفه شاخص استانداردهای حسابداری، هموارسازی درآمد و همزمانی قیمت سهام محاسبه کرده‌اند که کیفیت حاکمیت شرکتی را در دو بعد شفافیت و افشاگری حسابداری مورد بررسی قرار داده است.

مهربانی و دادگر (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «محاسبه شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران» این شاخص را برای ۱۱۰ شرکت و ۹ صنعت بررسی نموده و تأثیر آن را بر ارتقای عملکرد آنها مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های این تحقیق مؤید این بوده است که کیفیت این شاخص در شرکت‌های مورد بررسی بسیار پایین بوده است.

نمازی و دیگران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی رابطه بین شاخص راهبری شرکتی و بازده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» با استفاده از پرسشنامه‌ای حاوی ۲۵ معیار، رتبه شرکت‌های نمونه را در زمینه راهبری شرکتی استخراج نموده‌اند. معیارهای مورد استفاده این تحقیق از مفاد آئین‌نامه راهبری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در سه طبقه شفافیت اطلاعاتی، ساختار هیأت مدیره و ساختار مالکیت می‌باشند.

در سایر مطالعات مرتبط با موضوع رابطه بین شاخص‌های عملکردی شرکت‌ها نظیر کمیت و کیفیت سود، کیفیت گزارش‌دهی، رفتار ریسک‌پذیری شرکت‌ها، انگیزه‌های مالکانه و ... با شاخص‌های حاکمیت یا راهبری شرکتی پرداخته شده است. برخی از این مطالعات عبارتند از کرمی و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی اثر راهبری شرکتی بر رابطه بین مدیریت سود و انگیزه‌های مالکانه»، پروان و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر رفتار ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، خدادادی و دیگران (۱۳۹۵) با عنوان «تأثیر معیارهای راهبری شرکتی بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی»، احمدی و دیگران (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی تأثیر معیارهای راهبری شرکتی بر خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران».

وجه تمایز مقاله حاضر با سایر مطالعات انجام شده در این است که اولاً در هیچ کدام از مطالعات قبلی مدلی برای رتبه‌بندی نهادهای بازار پول ارائه نشده است و ثانیاً مطالعات انجام شده به صورت کامل منطبق با اصول حاکمیت شرکتی نبوده و می‌توان اینگونه استنباط نمود که شاخص حاکمیت شرکتی بدون در نظر گرفتن اصول چهارگانه آن مورد محاسبه قرار گرفته است.

به عنوان مثال استفاده از مؤلفه مالکیت که در بیشتر مطالعات وجود دارد می‌تواند یک پارامتر یا متغیر مستقل توضیح دهنده حاکمیت شرکتی باشد و نه یک مؤلفه اندازه‌گیری کننده. در رهنمودهای بازل تصریح شده بانک‌ها با هر نوع مالکیتی اعم از دولتی، خصوصی، نهادی و یا خانوادگی ملزم به رعایت اصول حاکمیت شرکتی هستند. لذا نوع مالکیت نمی‌تواند مؤلفه‌ای برای اندازه‌گیری شاخص حاکمیت شرکتی باشد. ثالثاً دامنه امتیاز هر یک از شاخص‌های فرعی بر مبنای مستندات قانونی و مقرراتی وضع شده برای بانک‌ها و نهادهای بازار پول صورت گرفته است. نوآوری دیگر این پژوهش تبدیل کردن اصول چهارگانه به مؤلفه و معیارهای مورد نظر بازل بوده و سنجه‌هایی برای ارزیابی حاکمیت شرکتی در یک بانک معرفی شده است که مبین اصول چهارگانه می‌باشد و در هر کدام از آنها یک یا همه اصول نهفته است.

۴. روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق برای شاخص‌بندی، ارائه مدل ارزیابی سطح رعایت حاکمیت شرکتی در بانک‌های غیردولتی و محاسبه CGI از روش تحلیل محتوای کیفی تلخیصی استفاده شده است. کریپندورف (۲۰۰۴) بیان می‌کند که در هر تحلیل محتوای کیفی باید شش پرسش پاسخ داده شود، چه داده‌هایی باید تحلیل شوند؟ داده‌ها چگونه تعریف می‌شوند؟ جمعیتی که داده‌ها از آن گرفته شده است، کدامند؟ ارتباط متن با داده‌های تحلیل چیست؟ نتایج تحلیل چیست؟

تحلیل محتوای کیفی ابزار مفید و مناسبی برای تحلیل داده‌های مورد بررسی در پژوهش است، زیرا ویژگی‌هایی موثری دارد. یکی از ویژگی‌های آن صراحت و توانایی در رویارویی با پیچیدگی‌ها است. به عبارتی در این روش تلاش برای تلفیق صراحت بیان است که در پژوهش‌های نظریه‌محور و نمونه‌های دارای فرضیه قیاسی مطرح است. همچنین تحلیل محتوای کیفی بسیار روشمند و مرحله به مرحله است. بر این اساس مراحل زیر برای انجام این مطالعه طی شده است:

الف) بررسی مبانی نظری مربوط به اصول حاکمیت شرکتی به روش مطالعات کتابخانه‌ای با هدف دستیابی به مبانی مشترکی که بتواند برای ارزیابی و مقایسه بین بانک‌های مختلف مورد استفاده باشد.

ب) مطالعه و بررسی تمامی مقررات، استاندارد یا الزامات مرتبط با هر کدام از اصول حاکمیت شرکتی در نظام بانکی که در مستندات یا مطالعات قبل مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بخشی از مستندات بررسی شده عبارتند از اساسنامه تیپ مربوط به فعالیت بانک‌های غیردولتی، رهنمودهای بازل، اصول راهنمای حاکمیت شرکتی برای مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی، آئین نامه نظام راهبری شرکتی بورس اوراق بهادار، رهنمودهایی برای نظام مؤثر کنترل‌های داخلی در مؤسسات اعتباری، دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری غیر دولتی، دستورالعمل تأیید صلاحیت حرفه‌ای مدیران نهادهای مالی و... . مبتنی بر بررسی مستندات و مطالعات مرتبط، شاخص‌های فرعی حاکمیت شرکتی انتخاب و محدوده ارزش هر کدام از آنها تعیین شده است که نتایج آن در جداول ضمیمه شماره (۱) و ۲ و ۳ نشان داده شده است.

ج) استخراج معیار و مؤلفه‌هایی که امکان ارزیابی رعایت اصول حاکمیت شرکتی و ایجاد مدل مربوط به آن را فراهم نموده و در نهایت معرفی شاخص‌های مشخص و قابل ارزش‌گذاری برای محاسبه CGI در یک بانک. در واقع پس از شناسایی و انتخاب معیار، مؤلفه و شاخص‌های فرعی ارزیابی ابتدا یک مدل مفهومی و سپس مدل ساده ریاضی برای ارزش‌گذاری معرفی شده است.

ه) تعیین دامنه ارزش قابل اختصاص به هر کدام از شاخص‌ها بر اساس مستندات، مقررات و مطالعات مربوطه.

و) تعیین ضریب اهمیت برای هر کدام از معیارها و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی بر اساس نظر خبرگان.

ز) ارزش‌گذاری هر کدام از شاخص‌های فرعی بر اساس اطلاعات داخلی و منتشر شده یک بانک نمونه غیردولتی و محاسبه شاخص حاکمیت شرکتی در آن بانک بر مبنای مدل.

۵. تفسیر نتایج

۵-۱. معرفی معیار و مؤلفه‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی

از آنجا که در مبانی نظری و مبتنی بر تئوری‌های مرسوم حاکمیت شرکتی، سطح رعایت اصول چهارگانه حاکمیت شرکتی در یک بانک مبنای ارزیابی قرار گرفته، لازم است در ابتدا معیارهای کلی و در ذیل هر کدام از آنها تعدادی مؤلفه برای ارزیابی سطح رعایت استخراج نمود. در این مقاله ۳ معیار زیر به عنوان معیارهایی که دربرگیرنده اصول حاکمیت شرکتی هستند، معرفی شده‌اند:

۵-۱-۱. معیار اثر بخشی ساختار هیأت مدیره (A₁)

هیأت مدیره مسئول کلی بانک مبنی بر تصویب و نظارت بر اجرای اهداف راهبردی، چارچوب راهبردی و فرهنگ سازمانی است. بر همین اساس مسئولیت نهایی در خصوص راهبرد کسب و کار و سلامت مالی بانک، تصمیمات مهم منابع انسانی، ساختار و رویه‌های اجرایی داخلی، مدیریت ریسک و رعایت قوانین و مقررات برعهده هیأت مدیره است (رهنمودهای کمیته بازل ۲۰۱۵). ارزیابی حاکمیت شرکتی به دنبال آن است که تعیین کند هیأت مدیره تا چه اندازه به اصل «اخلاق حرفه‌ای در اولویت است»^۱ پایبند است و تا چه حد در ایجاد و حفظ اصول حاکمیت شرکتی و فرهنگ ریسک^۲ تأکید می‌نماید (همان منبع).

یک هدف اصلی از این شیوه ارزیابی، تعیین سطح توانایی اعضای هیأت مدیره نهاد مالی در مدیریت ریسک‌های رفتاری^۳ بر اساس شرایط کسب و کار آن است. از جمله تخلفات رفتاری شناسایی شده عبارتند از معامله نادرست محصولات مالی با مشتریان خرده‌فروشی و تجاری^۴، نقض قوانین ملی و بین‌المللی^۵، جابجایی ارقام در بازارهای مالی^۶ نظیر دستکاری در نرخ‌ها.

1. Tone at the Top

2. Risk Culture

3. Conduct Risks

4. The mis-selling of financial products to retail and business clients

5. The violation of national and international rules

6. The manipulation of financial markets – for instance

بر اساس نظریه نمایندگی، توانایی هیأت مدیره، سازوکار نظارت کننده مؤثری است که به استقلال آن از مدیریت ارشد، تعداد افراد تشکیل دهنده آن و ارتباط میان نقش‌های رئیس هیأت مدیره و مدیر ارشد اجرایی بستگی دارد (دیچاو، سلون و اسوینری؛ ۱۹۹۶). همچنین از منظر تئوری نمایندگی می‌توان استدلال نمود که یک هیأت مدیره بزرگتر به احتمال قوی نسبت به مشکلات نمایندگی هوشیارتر است، زیرا تعداد بیشتری از افراد کارهای مدیریت را تحت نظر قرار خواهند داد.

بعلاوه باور عمومی بر این است که هیأت مدیره زمانی که از استقلال بیشتری برخوردار است، نظارت مؤثرتری بر مدیران اجرایی اعمال می‌کند (بیزلی؛ ۱۹۹۶، پیسنل و همکاران؛ ۲۰۰۰ و کلین، ۲۰۰۲). بیزلی (۱۹۹۶) در پژوهشی دریافت که حضور اعضای مستقل و غیراجرایی هیأت مدیره احتمال تقلب در ارائه صورت‌های مالی را کاهش داده است، همچنین کلین (۲۰۰۲) شواهدی را در رابطه با استقلال اعضای هیأت مدیره و دستکاری سود فراهم آورد که نشان می‌داد شرکت‌هایی که دارای اعضای هیأت مدیره مستقل از مدیران اجرایی بودند اقلام تعهدی غیرعادی کمتری گزارش نموده‌اند.

پیسنل و همکاران (۲۰۰۰) در پژوهشی با نمونه‌برداری از شرکت‌های انگلیسی به این نتیجه رسیدند که با افزایش نسبت اعضای غیراجرایی و مستقل هیأت مدیره احتمال وجود اقلام تعهدی افزایش دهنده سود کاهش می‌یابد. همچنین در پژوهشی که توسط چترو و همکاران (۲۰۰۱) انجام شد نشان داده شد که هیأت مدیره مستقل فعالیت مدیریت سود را محدود می‌سازد، همچنین چانگ و سان (۲۰۰۹) به رابطه منفی معنادار بین استقلال هیأت مدیره و اقلام تعهدی غیرعادی دست یافتند.

وجود اعضای غیراجرایی و مستقل در هیأت مدیره به کنترل مسئله نمایندگی منجر شده و سبب می‌شود عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و سهامدار از طریق افشای بهتر اطلاعات، کاهش یابد (لم و همکاران؛ ۲۰۰۷). همچنین این ادعا وجود دارد که کارایی هیأت مدیره از طریق ورود اعضای غیرموظف افزایش خواهد یافت (آجین و همکاران؛ ۲۰۰۵).

به‌طور کلی کمیته بازل بانک‌های عضو را ملزم به ایجاد ساختاری در سطح هیأت مدیره می‌نماید که بتواند از حقوق قانونی سپرده‌گذاران، سهامداران و سایر ذی‌نفعان صیانت نماید و از برقراری ارتباط مؤثر بین هیأت مدیره و مقام ناظر اطمینان حاصل نماید (رهنمودهای بازل؛ ۲۰۱۵). در مقالات متعددی که به بررسی اثر ساختار هیأت مدیره بر عملکرد یک بنگاه اقتصادی پرداخته‌اند، مؤلفه‌های محدودی برای آن معرفی شده‌اند، لیکن در این مقاله بر اساس بررسی کلیه مستندات ارائه شده در بخش روش‌شناسی، طیف گسترده‌تری از مؤلفه‌های مورد استفاده در ارزیابی اثربخشی ساختار هیأت مدیره به کار گرفته شده است که عبارتند از:

(A_{۱۱}): ترکیب هیأت مدیره

(A_{۱۲}): شرایط احراز و انتخاب هیأت مدیره

(A_{۱۳}): سازمان و ارزیابی هیأت مدیره

(A_{۱۴}): ویژگی‌های رئیس هیأت مدیره

(A_{۱۵}): ویژگی‌های کمیته حسابرسی

(A_{۱۶}): ویژگی‌های کمیته عالی مدیریت ریسک، واحد مدیریت ریسک و مدیر ارشد ریسک

(A_{۱۷}): ویژگی‌های کمیته رعایت قوانین و مقررات (تطبیق)، واحد تطبیق و مدیر ارشد تطبیق

(A_{۱۸}): ویژگی‌های کمیته جبران خدمات

در این مطالعه برای ارزش‌گذاری مؤلفه ساختار هیأت مدیره، ۴۹ شاخص قابل اندازه‌گیری تعریف شده است. همچنین برای هر کدام از شاخص‌ها محدوده‌ای برای تعیین ارزش از صفر تا یک پیش‌بینی شده و بر اساس اطلاعات منتشر شده و سایر اطلاعات بانک مورد نظر، CGI محاسبه شده است.

۵-۱-۲. معیار شفافیت و افشاء

به‌طور کلی تعریف جامع و مشترکی در مورد شفافیت که همگان بر آن اتفاق نظر داشته باشند وجود ندارد. ویش وانات و کافمن (۱۹۹۹) و کافمن (۲۰۰۲) برای تعریف این واژه بر ذینفعان

تأکید داشته و شفافیت را افزایش جریان به موقع و قابل اتکای اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در دسترس همه ذینفعان باشد تعریف کرده‌اند (بادآور نهندی و دیگران؛ ۱۳۹۲).

حاکمیت بانک باید برای سهامداران، سپرده‌گذاران، سایر ذینفعان و عوامل بازار به قدر کافی شفاف باشد. شفافیت لازمه حاکمیت شرکتی اثربخش و صحیح است و در صورت ناکافی بودن شفافیت عوامل بازاری نمی‌توانند به‌طور اثربخش عملکرد هیأت مدیره و مدیریت ارشد را پایش نمایند و آنها را مسئول بانک بدانند. هدف شفافیت در مقوله حاکمیت شرکتی این است که برای طرف‌های ذی‌ربط، اطلاعات ضروری را فراهم آورد تا آنها بتوانند اثربخشی عملکرد هیأت مدیره و مدیریت ارشد را ارزیابی نمایند (رهنمودهای بازل؛ ۲۰۱۵).

بر اساس رهنمود بازل بانک‌ها باید بخش مربوط به اصول شفافیت و افشاء که توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه تبیین شده است را مطمح نظر قرار دهد. بنابراین افشا باید حداقل پیرامون مباحث مرتبط با اهداف، ساختار حاکمیتی، خط مشی‌های مشتمل بر مفاد مربوط به حاکمیت شرکتی، ضوابط مربوط به جبران خدمات یا خط مشی‌هایی که به‌وسیله آن حاکمیت شرکتی اعمال می‌گردد، سهامداران عمده، حق رأی و معامله با اشخاص مرتبط را دربرگیرد (همان منبع).

همچنین بانک باید اقدام به افشای نکات اصلی مرتبط با منابع در معرض خطر و راهبردهای مدیریت ریسک خود بدون افشای اطلاعات محرمانه نماید و هنگامی که در فعالیت‌های پیچیده یا غیرشفاف وارد می‌شود، باید اطلاعات کافی را در مورد هدف، راهبرد، ساختار و کنترل ریسک‌های مرتبط افشا نماید (همان منبع).

به‌طور کلی ابعادی که محققان برای شاخص‌های اندازه‌گیری میزان شفافیت اطلاعاتی و افشاء اطلاعات استفاده کرده‌اند در یک نگاه کلی شامل افشاء اطلاعات مالی و غیرمالی شرکت‌هاست، با این حال در پژوهش‌های مختلف گستره این اطلاعات و ابعاد، گروه‌ها و مؤلفه‌های مختلفی برای تعریف و اندازه‌گیری سطح افشاء و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها انتخاب و استفاده شده است (انواری رستمی و دیگران؛ ۱۳۹۳).

در ادبیات اقتصادی و حسابداری سطح افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها در سه دسته زیر خلاصه می‌شوند:

افشای اطلاعات اجباری و الزامی توسط نهادهای قانون‌گذار و قوانین مربوط

محققانی نظیر پاتن و زلنکا (۱۹۹۷)، اسو آناس (۱۹۹۸)، والاس و ناصر (۱۹۹۵) و چن و چاگی (۲۰۰۰) دامنه شفافیت و افشای اطلاعات را محدود به اطلاعات اجباری و الزامی نموده‌اند (انواری رستمی و دیگران؛ ۱۳۹۳).

افشای اطلاعات اختیاری

پژوهشگران دیگری از جمله حسین و همکاران (۱۹۹۴)، رافونیز (۱۹۹۵)، فرت (۱۹۸۴)، دپورس (۲۰۰۰)، هو و وانگ (۲۰۰۱)، فرگوسن و همکاران (۲۰۰۲)، کاهان و همکاران (۲۰۰۵)، حسین و ریاض (۲۰۰۷)، اختارودین و همکاران (۲۰۰۹)، آریزا (۲۰۱۲) و بسیاری دیگر تأکید دارند آنچه که قادر است سطح شفافیت اطلاعاتی یک شرکت را توضیح دهد میزان افشای اطلاعات اختیاری است (انواری رستمی و دیگران؛ ۱۳۹۳).

افشای ترکیبی از اطلاعات اجباری و اختیاری

در دسته‌ای دیگر از تحقیقات با نگاهی وسیع‌تر به مفهوم افشاء شاخص‌های اندازه‌گیری سطح شفافیت اطلاعاتی، هم اطلاعات اختیاری و هم اطلاعات اجباری را در بر می‌گیرد. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به کوک (۱۹۹۲)، کوک (۱۹۹۸)، مالون و همکاران (۱۹۹۳)، گینز (۱۹۹۷)، والاس و ناصر (۱۹۹۵) و جاگی و لا (۲۰۰۰) اشاره کرد (انواری رستمی و دیگران؛ ۱۳۹۳).

افشای اطلاعات مربوط به عملکرد مالی ابتدایی‌ترین گروه اطلاعات است که تقریباً همه تحقیقات بررسی شده آن را در شاخص شفافیت اطلاعاتی خود گنجانده‌اند. گروه بعدی اطلاعات که بیشتر شاخص‌های افشاء به آن پرداخته‌اند شامل اطلاعات مربوط به اعضای هیأت مدیره شرکت، اهداف و استراتژی‌های شرکت، ساختار مالکیت، اطلاعات راهبردی شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت می‌باشند. تعداد کمی از تحقیقات نیز به اطلاعات مربوط به ریسک‌های موجود و روش‌های اخذ شده در جهت مدیریت ریسک، اطلاعات مربوط به معاملات و تسعیر ارز و اطلاعات مربوط به ادغام و تملک پرداخته‌اند (انواری رستمی و دیگران؛ ۱۳۹۳).

در این مطالعه به منظور بررسی سطح شفافیت در بانک‌های مورد نظر، بخشنامه « ضوابط ناظر بر حداقل استانداردهای شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات توسط مؤسسات اعتباری » که توسط شورای پول و اعتبار و با هدف افزایش شفافیت وضعیت عملکردی مؤسسات اعتباری و یکسان نمودن رویه انتشار اطلاعات عمومی توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به آنها ابلاغ گردیده، ملاک عمل قرار گرفته است. و بر مبنای آن ۴ معیار زیر به عنوان معیارهای اصلی تعیین کننده سطح شفافیت و افشای اطلاعات در نظر گرفته شده است که توسط ۷۹ شاخص تبیین و ارزش هر کدام بر اساس اطلاعات بانک مورد نظر تعیین شده است:

(A_{۲۱}): افشای اطلاعات صورت‌های مالی.

(A_{۲۲}): افشای اطلاعات مربوط به مدیریت ریسک.

(A_{۲۳}): افشای اطلاعات مربوط به حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی.

(A_{۲۴}): افشای اطلاعات مربوط به رویدادهای بااهمیت.

۳-۱-۵. معیار مسئولیت‌پذیری

کارل (۱۹۹۹) اصول ۴ گانه زیر را تحت عنوان هرم مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها معرفی نموده است که در این مقاله این اصول مبنایی برای تعیین معیارهای مسئولیت‌پذیری در چارچوب حاکمیت شرکتی قرار گرفته است:

مسئولیت‌های اقتصادی^۱: آنچه بنگاه باید برای حداکثر سازی سود و ایجاد ارزش افزوده برای ذینفعان خود انجام دهد.

مسئولیت‌های قانونی^۲: آنچه بنگاه در چارچوب قوانین و مقررات مجبور و ملزم به انجام آن است.

مسئولیت‌های اخلاقی^۳: آنچه که بهتر است در راستای تعالی و در مسیر اهداف انجام دهد.

1. Economic Responsibilities

2. Legal Responsibilities

3. Ethical Responsibilities

مسئولیت‌های بشردوستانه^۱: شامل اقداماتی است در راستای ایفای رسالت اجتماعی تمایل به انجام آنها را دارد.

در این تحقیق علاوه بر آنکه ۴ اصل مطرح شده در مدل کارول برای ارزیابی سطح مسئولیت‌پذیری یک بانک مورد استفاده قرار گرفته، مسئولیت شرعی بانک‌های کشور نیز به عنوان یکی از ابعاد مهم مسئولیت‌پذیری در چارچوب بانکداری بدون ربا به مدل اضافه کرده است.

نکته حائز اهمیت در خصوص مسئولیت شرعی بانک‌ها این است که یک چارچوب مناسب برای حاکمیت شرکتی علاوه بر اصول چهارگانه باید به گونه‌ای باشد که از التزام به اصول و تطبیق مقررات شریعت اطمینان حاصل نماید. بسیاری از مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی برای تمامی بانک‌ها و نهادهای بازار پول (اسلامی و غیر اسلامی) از اهمیت یکسانی برخوردار هستند. براین اساس می‌توان گفت مسئولیت‌های هیأت مدیره، افشای اطلاعات به خصوص اطلاعات مربوط به مدیریت ریسک و مسئولیت‌پذیری بانک در قبال همه ذینفعان در نظام بانکداری بدون ربا نیز مورد تاکید قرار گرفته است و نمی‌توان آن را به صورت متفاوت از بانکداری مبتنی بر ربا مورد بررسی قرار داد.

مسئولیت امانتداری بانک‌های بدون ربا در قبال مشتریان دربرگیرنده نخستین تعهد آنها برای تطبیق با اصول و مقررات شریعت اسلامی در هر زمانی است. این ویژگی منحصر به فرد بانکداری بدون ربا سبب شده تا علاوه بر مؤلفه‌های مرسوم در حاکمیت شرکتی، برخی الزامات احتیاطی نیز که هدفش اطمینان از تطبیق با شریعت توسط آنها می‌باشد وضع گردد که در این مقاله با عنوان مسئولیت‌های شرعی و به عنوان یک مؤلفه مجزا مورد بررسی قرار گرفته است.

هیأت خدمات مالی اسلامی^۲ (IFBS) با همکاری سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و کمیته بازل بر این مبنای مشترک که نمی‌توان مدل واحدی از حاکمیت شرکتی را برای تمام کشورها تجویز نمود، در سال ۲۰۰۶ "اصول راهنمای حاکمیت شرکتی برای مؤسسات ارائه دهنده خدمات اسلامی" منتشر کرده است که در این مقاله به منظور تبیین شاخص‌های مؤلفه مسئولیت شرعی بانک‌ها از آن استفاده شده است. بر این اساس به منظور ارزیابی سطح رعایت معیار

1. Philanthropy Responsibilities

2. Islamic Financial Services Board

مسئولیت‌پذیری در بانک مورد مطالعه از ۵ مؤلفه و ۲۵ شاخص استفاده شده است. این مؤلفه‌ها عبارتند از:

(A_{۳۱}): رعایت مسئولیت اقتصادی.

(A_{۳۱}): رعایت مسئولیت قانونی.

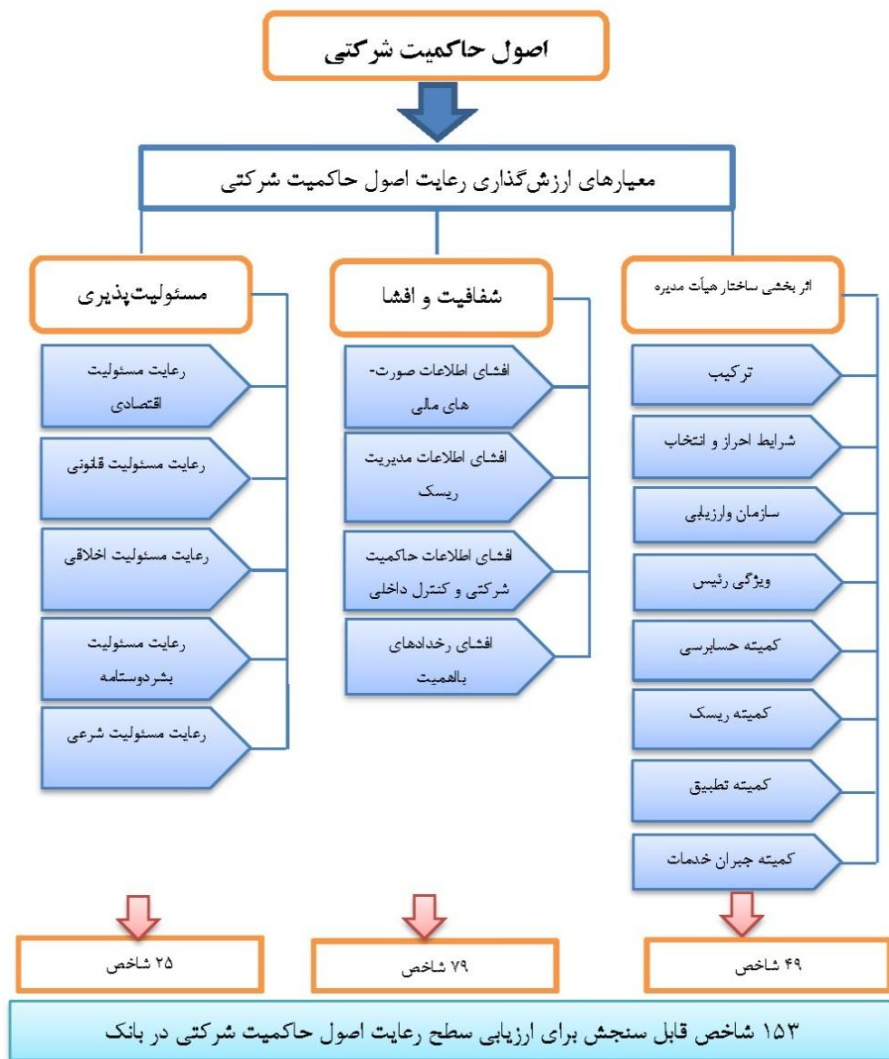
(A_{۳۱}): رعایت مسئولیت اخلاقی.

(A_{۳۱}): رعایت مسئولیت بشردوستانه.

(A_{۳۱}): رعایت مسئولیت شرعی.

۲-۵. مدل مفهومی ارزیابی حاکمیت شرکتی

از آنجا که هدف اصلی این مقاله تبیین چارچوبی مناسب برای ارزیابی سطح رعایت ۴ اصل حاکمیت شرکتی در بانک‌های غیردولتی کشور می‌باشد، سنجه‌های قابل ارزش‌گذاری در سه سطح معرفی شدند تا قابلیت محاسبه شاخص حاکمیت شرکتی در یک بانک را ایجاد نمایند. در واقع با مبنا قرار دادن اصول حاکمیت شرکتی به عنوان مبنای نظری مدل با استفاده از بررسی محتوای اسناد و مقالات موجود، ابتدا معیارهای سه‌گانه ارزش‌گذاری معرفی و برای هر معیار تعدادی مؤلفه که در مجموع ۱۷ مؤلفه شناسایی شدند و سپس برای هر مؤلفه تعدادی شاخص قابل ارزش‌گذاری شامل ۱۵۳ شاخص معرفی شدند. بر این اساس نمودار شماره (۱) ذیل به عنوان مدل مفهومی مورد نظر برای ارزیابی در نظر گرفته شده است:



نمودار ۱. مدل مفهومی ارزیابی حاکمیت شرکتی

۳-۵. تبیین مدل ریاضی ارزیابی

بر مبنای چارچوب کلی مدل ارزیابی می‌توان با استفاده از مدل ساده ریاضی زیر CGI را در یک بانک محاسبه نمود:

$$CGI = \alpha_1 * A_1 + \alpha_2 * A_2 + \alpha_3 * A_3$$

که در این مدل:

α_1 عبارتست از میانگین ضرایب اختصاص داده شده برای معیار اثربخشی ساختار هیأت مدیره.

A_1 عبارتست از ارزش اختصاص یافته برای معیار اثربخشی ساختار هیأت مدیره در بانک.

α_2 عبارتست از میانگین ضرایب اختصاص داده شده برای معیار شفافیت و افشا.

A_2 عبارتست از ارزش اختصاص یافته به معیار شفافیت و افشا در بانک.

α_3 عبارتست از میانگین ضرایب اختصاص داده شده برای معیار مسئولیت پذیری.

A_3 عبارتست از ارزش اختصاص یافته برای معیار مسئولیت پذیری در بانک.

همچنین به منظور محاسبه ارزش هر کدام از معیارهای ۳ گانه به روش زیر عمل شده است:

$$A_1 = \sum_{i=1}^8 \alpha_{1i} * A_{1i} \quad A_2 = \sum_{i=1}^4 \alpha_{2i} * A_{2i} \quad A_3 = \sum_{i=1}^5 \alpha_{3i} * A_{3i}$$

که در روابط فوق:

α_{1i} عبارتست از میانگین ضرایب اختصاص داده شده به هر کدام از مؤلفه‌های هفتگانه توضیح

دهنده معیار اثربخشی ساختار هیأت مدیره.

α_{2i} عبارتست از میانگین ضرایب اختصاص داده شده به هر کدام از مؤلفه‌های چهارگانه توضیح

دهنده معیار شفافیت و افشا.

α_{3i} عبارتست از میانگین ضرایب اختصاص داده شده به هر کدام از مؤلفه‌های پنجگانه توضیح

دهنده معیار مسئولیت‌پذیری.

A_{1i} عبارتست از ارزش هر کدام از مؤلفه‌های ۸ گانه توضیح دهنده معیار اثربخشی ساختار هیأت

مدیره در شاخص.

A_{2i} عبارتست از ارزش هر کدام از مؤلفه‌های ۴ گانه توضیح دهنده معیار شفافیت و افشا در شاخص.

A_{3i} عبارتست از ارزش هر کدام از مؤلفه‌های ۵ گانه توضیح دهنده معیار مسئولیت‌پذیری در شاخص.

همانگونه که در مدل مفهومی مطرح شده است به به منظور ارزش‌گذاری هر کدام از مؤلفه‌های تعیین شده تعدادی شاخص فرعی بر اساس ادبیات و مستندات موجود معرفی شده است که هر کدام از آنها ارزشی بین صفر تا یک را به خود اختصاص خواهند داد. بر همین اساس ارزش هر کدام از مؤلفه‌های ۱۷ گانه به روش زیر محاسبه خواهند شد:

$$A1i = \sum_{j=1}^{49} I_j \quad A2i = \sum_{k=1}^{79} I_k \quad A3j = \sum_{n=1}^{25} I_n$$

در واقع با جمع جبری ارزش هر یک از شاخص‌های فرعی (I_n و I_k و I_j) ارزش هر کدام از مؤلفه‌های ۱۷ گانه محاسبه خواهند شد.

۵-۴. مشارکت‌کنندگان و تعیین ضرایب اهمیت معیار و مؤلفه‌ها

با توجه به متنوع بودن معیار و مؤلفه‌های اندازه‌گیری و متفاوت بودن درجه اهمیت هر کدام از آنها باید ضریب اهمیتی برای هر کدام تعیین و در مدل از آنها استفاده گردد. برای این منظور با انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه‌ای ابتدا نظرات تعدادی از خبرگان بانکی و دانشگاهی مرتبط با موضوع اخذ و سپس میانگین ساده ضرایب اختصاص داده شده توسط ایشان به عنوان ضریب اهمیت مدل مورد استفاده قرار گرفت.

باتوجه به کیفی بودن روش تحقیق و اینکه هدف مطالعه دستیابی به محتوای ذهنی خبرگان بانکی بوده است، در انتخاب مشارکت‌کنندگان قائل به روش‌های کمی نمونه‌گیری نبوده‌ایم^۱. در پژوهش کمی تأکید زیادی بر انتخاب تصادفی و شانس برابر برای همه اعضای جامعه مورد پژوهش وجود دارد، اما در پژوهش‌های کیفی نمونه پژوهش یا به عبارت صحیح‌تر مشارکت‌کنندگان انتخاب یا دعوت می‌شوند (رنجبر و دیگران؛ ۱۳۹۱). بر این اساس در انتخاب

۱. در پژوهش‌های کیفی از واژه مشارکت‌کنندگان به جای نمونه و از انتخاب به جای نمونه‌گیری استفاده می‌شود (رنجبر و دیگران؛ ۱۳۹۱).

مشارکت کنندگان، این اصل مبنا قرار گرفته است که افراد انتخاب شده بیشترین میزان اطلاعات را بر اساس سوال پژوهش فراهم آورند و لذا از یک فرآیند انتخاب تصادفی تبعیت نشده است. لکن به منظور دستیابی به طیف مختلف افراد و دیدگاه‌ها تلاش گردید بر مبنای ویژگی‌های زیر خبرگان انتخاب گردند:

- افرادی که در حوزه سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری^۱ بانکی فعالیت قابل توجه داشته باشند.
- افرادی که به عنوان عضو هیأت مدیره در بانک فعالیت داشته و مسئولیت پیاده‌سازی حاکمیت شرکتي را داشته‌اند.
- افرادی که به عنوان مدیر عامل در بالاترین رکن اجرایی یک بانک یا نهاد مالی تجربه فعالیت داشته‌اند.
- افرادی که به عنوان مدیر میانی یا کارشناس در یک بانک فعالیت داشته و آشنا به موضوع حاکمیت شرکتي باشند.
- افرادی که به عنوان محقق و عضو هیأت علمی، تخصص لازم را در زمینه حاکمیت شرکتي داشته باشند.

بر این اساس در انتخاب لیست نهایی مشارکت کنندگان از روش گلوله برفی و در خصوص پایان مصاحبه و نمونه‌گیری به روش اشباع نظری بهره گرفته شده است. نمونه‌گیری گلوله برفی^۲ در مواردی استفاده می‌شود که دسترسی به افراد با ویژگی‌های مورد نظر محقق دشوار باشد. در این روش، ابتدا یک یا چند نفر با ویژگی‌های مورد نظر انتخاب می‌شوند و سپس از آنان درخواست می‌گردد تا افرادی را که دارای ویژگی‌های مشابه با آنان باشند، به محقق معرفی گردند (نادری‌فر و دیگران؛ ۱۳۹۶).

اشباع داده یا اشباع نظری رویکردی است که در پژوهش‌های کیفی برای تعیین کفایت نمونه‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد و به معنای این است که خصوصیات یک دسته یا طبقه

1. Regulator

2. Snowball Sampling

تئوریک به اشباع رسیده و با ادامه نمونه‌گیری داده بیشتری که سبب توسعه، تعدیل، بزرگتر شدن یا اضافه شدن به تئوری موجود گردد به پژوهش وارد نشود (رنجبر و دیگران؛ ۱۳۹۱).

مسئله دیگری که در انتخاب مشارکت‌کنندگان این مطالعه اهمیت داشته، در دسترس بودن و تمایل ایشان به مشارکت بوده است که محدودیت‌هایی را ایجاد نموده است. به عنوان مثال تعداد افرادی که به عنوان رئیس کل بانک مرکزی فعالیت داشته در دسترس می‌باشند بسیار اندک بوده‌اند که در این تحقیق یک نفر از ایشان مشارکت نموده‌اند.

براین اساس پرسشنامه تحقیق در معرض نظرخواهی ۲۲ نفر از خبرگان قرار گرفته‌اند که در جدول شماره (۳) ویژگی و تعداد هر گروه بیان شده و همچنین اسامی و مشخصات ایشان نیز در پیوست شماره (۱) ارائه شده است.

جدول ۲. تعداد و حوزه‌های فعالیتی مصاحبه‌شوندگان

تعداد	حوزه فعالیت مصاحبه‌شوند
۲ نفر	در حوزه سیاست‌گذاری
۵ نفر	عضو هیأت مدیره فعلی یا سابق در بانک دولتی و غیردولتی
۳ نفر	مدیر عامل فعلی یا سابق در بانک یا نهاد مالی
۵ نفر	عضو هیأت علمی یا محقق مرتبط
۵ نفر	مدیر میانی مرتبط در بانک

مأخذ: نتایج تحقیق

بر اساس پرسشنامه تنظیم شده، در مرحله نخست از خبرگان درخواست گردید که به صورت مقایسه‌ای ضریب اهمیت هر یک از معیارهای ۳ گانه‌ی اثر بخشی ساختار هیأت مدیره، شفافیت و مسئولیت‌پذیری را در مقابل دو معیار دیگر تعیین نمایند. در واقع از ایشان درخواست گردید که رتبه هر کدام از این معیارها با در نظر گرفتن اهمیت دو معیار دیگر را تعیین نمایند که قاعداً برای هر معیار ضریب اهمیتی بین ۱ تا ۳ تعیین گردید. نتایج به‌دست آمده در این بخش در جدول شماره (۳) ارائه شده است:

جدول ۳. نتایج پرسشنامه خبرگان در خصوص معیارهای حاکمیت شرکتی

عنوان معیار	تعداد پاسخ دهنده‌گان	تعداد افرادی که ارزش ۳ (بالاترین ارزش ۱ (پایین - ارزش) را در نظر گرفته‌اند	تعداد افرادی که ارزش ۱ (پایین - ارزش) را در نظر گرفته‌اند	میانگین ارزش اختصاص داده شده به عنوان ضریب اهمیت معیار بر حسب واحد	میانگین ارزش اختصاص داده شده به عنوان ضریب اهمیت معیار
اثر بخشی ساختار هیأت مدیره	۲۲	۱۴	۳	۰/۸۴	۲/۵
شفافیت و افشا	۲۲	۱۵	۱	۰/۸۸	۲/۶۴
مسئولیت پذیری	۲۲	۸	۴	۰/۷۴	۲/۲

مأخذ: نتایج استخراج شده از پرسشنامه

علاوه بر این لازم بود ضرایب اهمیت را برای مؤلفه‌های ۱۷ گانه نیز استخراج شوند. در واقع در سطح دوم، از خبرگان درخواست گردید تا برای هر کدام از مؤلفه‌های مربوط به هر کدام از معیارهای ۳ گانه و در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها امتیازی را تعیین نمایند. هم در سطح معیار و هم در سطح مؤلفه‌ها خبرگان این امکان را داشته‌اند که نمره یکسانی را که بیانگر اهمیت یکسان است تخصیص دهند. در جدول شماره (۴) نتایج به دست آمده در خصوص ارزش‌های تعیین شده برای مؤلفه‌های ۱۷ گانه نشان داده شده است:

جدول ۴. نتایج ارزش‌گذاری مؤلفه‌های مربوط به هرکدام از معیارهای حاکمیت شرکتی

عنوان معیار	عنوان مؤلفه	تعداد پاسخ دهندگان	تعداد افرادی که ارزش (بالاترین ارزش) را در نظر گرفته‌اند	تعداد افرادی که ارزش ۱ (پایین‌ترین ارزش) را در نظر گرفته‌اند	میانگین ارزش اختصاص داده شده به عنوان ضریب اهمیت بر حسب واحد	میانگین ارزش اختصاص داده شده به عنوان ضریب اهمیت
حاکمیت شرکتی	ترکیب	۲۲	۱	۰	۵/۷۶	۰/۷۲
	شرایط احراز و انتخاب	۲۲	۹	۱	۶/۶۵	۰/۸۳
	سازمان و ارزیابی	۲۲	۳	۰	۵/۳	۰/۶۷
	ویژگی‌های رئیس	۲۲	۳	۰	۶/۴	۰/۸
	کمیته حسابرسی	۲۲	۸	۰	۶/۸	۰/۸۵
	کمیته عالی ریسک	۲۲	۱۰	۰	۶/۸	۰/۸۵
	کمیته رعایت مقررات	۲۲	۶	۰	۶/۷۲	۰/۸۴
	کمیته جبران خدمات	۲۲	۲	۲	۴/۹۶	۰/۶۲
شفافیت و افشا	افشای صورت‌های مالی	۲۲	۱۲	۱	۳/۳۸	۰/۸۴۵
	افشای اطلاعات ریسک	۲۲	۱۰	۰	۳/۲۸	۰/۸۲
	افشای اطلاعات حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی	۲۲	۵	۲	۲/۸۸	۰/۷۲
	افشای رخدادهای بااهمیت	۲۲	۹	۶	۲/۹۲	۰/۷۳
مسئولیت پذیری	رعایت مسئولیت اقتصادی	۲۲	۱۱	۲	۳/۹	۰/۷۸
	رعایت مسئولیت قانونی	۲۲	۱۱	۱	۴/۲۲	۰/۸۴
	رعایت مسئولیت اخلاقی	۲۲	۴	۰	۳/۳۸	۰/۷
	رعایت مسئولیت بشردوستانه	۲۲	۱	۰	۲/۶۷	۰/۵۳
	رعایت مسئولیت شرعی	۲۲	۶	۰	۴	۰/۸

مأخذ: نتایج استخراج شده از پرسشنامه

از آنجا که در برخی تحقیقات، بویژه برای آندسته از مطالعاتی که شاخص‌ها عدد صفر یا یک می‌گیرند و مبنای ارزش‌گذاری نیز اعلام یا عدم اعلام آن شاخص توسط یک نهاد باشد به تمامی آنها یک ضریب اهمیت واحد داده می‌شود^۱، در این مقاله نیز یکبار محاسبه نمره حاکمیت شرکتی بانک نمونه بر این اساس محاسبه شده است. هر چند بخش زیادی از شاخص‌های فرعی از نوع یاد شده نبوده و بر اساس تحلیل، ارزشی بین صفر و یک دارند. از طرفی از آنجا که در این مقاله نمره حاکمیت شرکتی بانک نمونه به صورت مطلق و مستقل از سایر بانک‌ها محاسبه شده است، استفاده یا عدم استفاده از ضریب اهمیت اگرچه باعث تغییر در CGI بانک مورد بررسی می‌گردد، تحلیل خاصی به خواننده ارائه نمی‌دهد. اما در صورتی که قرار باشد رتبه هر بانک از نظر اندازه شاخص حاکمیت شرکتی در مقایسه با سایر بانک‌ها به دست آید، اختصاص ضریب اهمیت بر اساس نظر خبرگان به این دلیل اهمیت پیدا که وضعیت هر بانک از نظر ارزش شاخص‌های فرعی و سایر مؤلفه‌ها با رقبای خود متفاوت است.

۶. محاسبه و تحلیل شاخص حاکمیت شرکتی در بانک نمونه

پس از نهایی شدن مبانی انتخاب معیار، مؤلفه و شاخص‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی و نحوه ارزش‌گذاری شاخص‌ها، بر اساس اطلاعات منتشر شده بانک نمونه، یک بانک تجاری غیردولتی با مالکیت نهادی و صورت‌های مالی منتهی به دروه ۱۳۹۵/۱۲/۲۸ آن بانک ابتدا امتیاز هر شاخص و سپس امتیاز هر مؤلفه و معیار و در آخر نمره حاکمیت شرکتی بانک به دست آمده است. در جدول شماره (۵) نیز امتیاز تجمیعی بانک در مورد هر کدام از مؤلفه‌ها نشان داده شده است.

به این دلیل که ارزش مستقل از ضریب اهمیت هر کدام از مؤلفه‌ها از جمع جبری شاخص‌هایی به دست آمده است که ارزش آنها بین صفر و یک است، برای مقایسه‌پذیر کردن میزان تأثیر هر مؤلفه در اندازه نهایی شاخص حاکمیت شرکتی، باید ارزش هر مؤلفه به واحد

۱. برخی نیز معتقدند به این دلیل که تعیین ضرایب اهمیت بر مبنای نظر خبرگان بوده و به صورت میانگین محاسبه شده است، با تغییر نظر ایشان این ضریب تغییر کرده و لذا اعتبار زیادی ندارد.

معرفی مدل مناسب اندازه‌گیری شاخص حاکمیت شرکتی ... ۱۰۵

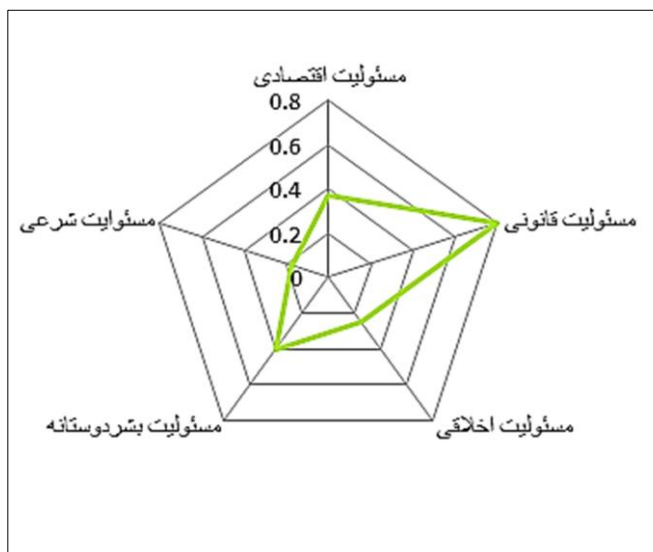
تبدیل گردد. به این منظور ابتدا بالاترین امتیازی که هر مؤلفه می‌توانست کسب نماید را محاسبه می‌نمائیم (که تابع تعداد شاخص توضیح دهنده آن است)، سپس از طریق تناسب مقدار آن بر حسب واحد به‌دست آمده است:

جدول ۵. اندازه ارزش هر کدام از مؤلفه‌های مدل

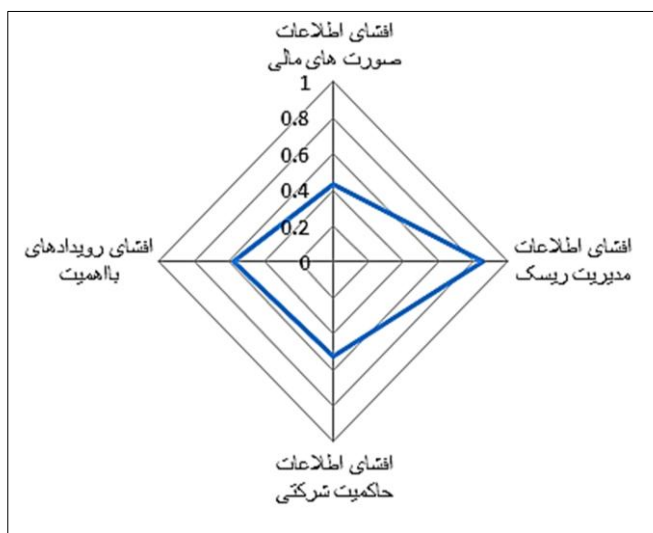
معیار اثر بخشی مدیره معیار شفافیت و افشا معیار مسئولیت‌پذیری	مؤلفه							
	A ₁₈	A ₁₇	A ₁₆	A ₁₅	A ₁₄	A ₁₃	A ₁₂	A ₁₁
	نمره کسب شده	۵/۷	۰	۲	۲	۲	۹	۶
	بالاترین نمره قابل کسب	۸	۳	۴	۳	۱۱	۴	۲
معیار شفافیت و افشا	ارزش تبدیل به واحد شده	۰/۷۲	۰	۰/۵	۰/۶۷	۰/۸۲	۰/۴۳	۰/۵
	مؤلفه	A ₂₁	A ₂₂	A ₂₃	A ₂₄			
	نمره کسب شده	۱۴/۸	۲۲	۶/۳	۴			
	بالاترین نمره قابل کسب	۳۴	۲۶	۱۲	۷			
معیار مسئولیت‌پذیری	ارزش تبدیل به واحد شده	۰/۴۳۵	۰/۸۵	۰/۵۲۵	۰/۵۷۱			
	مؤلفه	A ₃₁	A ₃₂	A ₃₃	A ₃₄	A ₃₅		
	نمره کسب شده	۱/۵	۵/۶	۱	۱/۶	۱		
	بالاترین نمره قابل کسب	۴	۷	۴	۴	۶		
معیار مسئولیت‌پذیری	ارزش تبدیل به واحد شده	۰/۳۷۵	۰/۸	۰/۲۵	۰/۴	۰/۱۷۷		

مأخذ: محاسبات محقق بر اساس اطلاعات استخراج شده از صورت‌های مالی منتشر شده بانک مورد نظر.

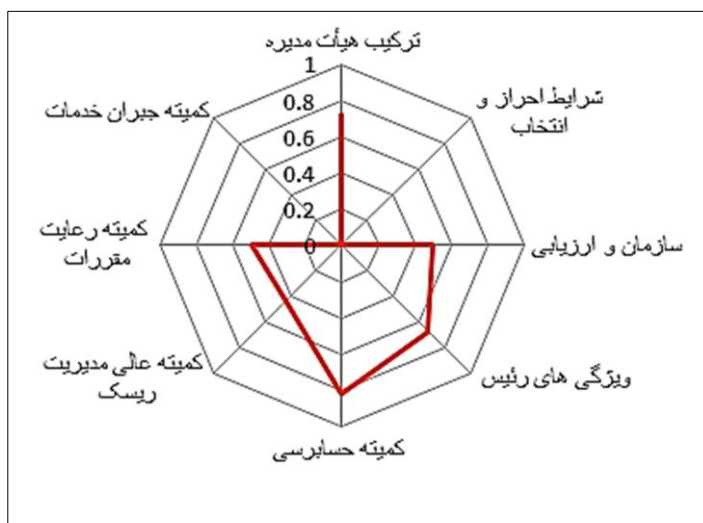
در نمودارهای شماره (۲)، (۳) و (۴) تأثیر هر کدام از مؤلفه‌های تعریف شده در تعیین ارزش عددی هر کدام از معیارهای سه‌گانه نشان داده شده است:



نمودار ۲. تأثیر مؤلفه‌های مربوط به معیار مسئولیت‌پذیری



نمودار ۳. تأثیر مؤلفه‌های مربوط به افشای اطلاعات



نمودار ۴. تأثیر مؤلفه‌های مربوط به معیار اثربخشی ساختار هیأت مدیره

ملاحظه می‌شود که مؤلفه‌های ویژگی‌های کمیته حسابرسی، افشای اطلاعات مدیریت ریسک و رعایت مسئولیت قانونی تأثیر بالاتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها داشته‌اند. حال که ارزش هر کدام از مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی در بانک مورد نظر بر حسب واحد و میانگین ضرایب اهمیت هر کدام از معیارهای ۳ گانه و مؤلفه‌های ۱۷ گانه بر حسب واحد به دست آمد، می‌توان شاخص حاکمیت شرکتی را در بانک مورد بررسی محاسبه نمود که نتایج آن در جدول شماره (۶) ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج نهایی اندازه شاخص حاکمیت شرکتی در بانک نمونه

عنوان معیار	عنوان مؤلفه	ارزش تبدیل به واحد شده	بالاترین ارزش قابل کسب	میانگین ارزش اختصاص داده شده به عنوان ضریب اهمیت بر حسب واحد	ارزش کسب شده با احتساب ضریب اهمیت	بالاترین ارزش قابل لحاظ ضریب
ترکیب		۰/۷۲	۱	۰/۷۲	۰/۵۲	۰/۷۲
شرایط احراز و انتخاب		.	۱	۰/۸۳	.	۰/۸۳
سازمان و ارزیابی		۰/۵	۱	۰/۶۷	۰/۳۳۵	۰/۶۷
ویژگی‌های رئیس		۰/۶۷	۱	۰/۸	۰/۵۳۶	۰/۸
کمیته حسابرسی		۰/۷۲	۱	۰/۸۵	۰/۶۱۲	۰/۸۵
کمیته عالی مدیریت		۰/۴۳	۱	۰/۸۵	۰/۳۶۵	۰/۸۵
ریسک						
کمیته رعایت مقررات		۰/۵	۱	۰/۸۴	۰/۴۲	۰/۸۴
کمیته جبران خدمات		.	۱	۰/۶۲	.	۰/۶۲

ارزش معیار اثر بخشی ساختار هیأت مدیره بدون لحاظ ضریب اهمیت	۲/۷۸۸	۶/۱۸
میانگین ضریب اهمیت اختصاص یافته به معیار ساختار هیأت مدیره بر حسب واحد	۰/۸۴	۰/۸۴

بدون در نظر گرفتن ضرایب اهمیت و استفاده از ضریب اهمیت یکسان ارزش این معیار برابر ۳/۴۵ است که باید با عدد ۸ (یعنی بالاترین ارزشی که می‌توانست کسب نماید) مقایسه گردد. در این حالت بانک ۴۳ درصد از کل امتیاز را کسب کرده و با لحاظ ضریب اهمیت، ۴۵ درصد.

ارزش معیار اثر بخشی ساختار هیأت مدیره در CGI	۲/۳۴۲	۵/۱۹
افشای اطلاعات صورت‌های مالی	۰/۴۳۵	۰/۸۴۵
افشای اطلاعات مدیریت ریسک	۰/۸۵	۰/۸۲
افشای اطلاعات حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی	۰/۵۲۵	۰/۷۲
افشای رخدادهای بااهمیت	۰/۵۷۱	۰/۷۳

شفافیت و افشا

ارزش معیار شفافیت و افشا بدون لحاظ ضریب اهمیت	۱/۸۵۹	۳/۱۱۵
میانگین ضریب اهمیت اختصاص یافته به معیار شفافیت و افشا بر حسب واحد	۰/۸۸	۰/۸۸

بدون در نظر گرفتن ضرایب اهمیت و استفاده از ضریب اهمیت یکسان ارزش این معیار برابر ۲/۳۸ است که باید با عدد ۴ (یعنی بالاترین ارزشی که می‌توانست کسب نماید) مقایسه گردد. در این حالت بانک ۶۰ درصد از کل امتیاز را کسب کرده و با لحاظ ضریب اهمیت نیز ۶۰ درصد.

ارزش معیار شفافیت و افشا در CGI	۱/۶۳۶	۲/۷۴
رعایت مسئولیت اقتصادی	۰/۳۷۵	۱
رعایت مسئولیت قانونی	۰/۸	۱
رعایت مسئولیت اخلاقی	۰/۲۵	۱
رعایت مسئولیت بشردوستانه	۰/۴	۱
رعایت مسئولیت شرعی	۰/۱۷۷	۱

ارزش معیار مسئولیت‌پذیری بدون لحاظ ضریب اهمیت	۱/۴۹۳	۳/۶۵
میانگین ضریب اهمیت اختصاص یافته به معیار مسئولیت‌پذیری بر حسب واحد	۰/۷۴	۰/۷۴

بدون در نظر گرفتن ضرایب اهمیت و استفاده از ضریب اهمیت یکسان ارزش این معیار برابر ۲ است که باید با عدد ۵ (یعنی بالاترین ارزشی که می‌توانست کسب نماید) مقایسه گردد. در این حالت بانک ۴۰ درصد از کل امتیاز را کسب کرده و با لحاظ ضریب اهمیت ۴۱ درصد.

ارزش معیار مسئولیت‌پذیری در CGI	۱/۱۰۴	۲/۷
شاخص حاکمیت شرکتی (CGI) در بانک مورد مطالعه	۵/۰۸	۱۰/۶۳

بدون در نظر گرفتن ضرایب اهمیت و استفاده از ضریب اهمیت یکسان، شاخص حاکمیت شرکتی (CGI) در بانک مورد مطالعه برابر ۷/۷۸ است که باید با عدد ۱۷ (یعنی بالاترین ارزشی که می‌توانست کسب نماید) مقایسه گردد. در این حالت بانک ۴۶ درصد از کل امتیاز را کسب کرده و با لحاظ ضریب اهمیت ۴۸ درصد

مأخذ: نتایج تحقیق

ملاحظه می‌شود که نمره حاکمیت شرکتی (CGI) در بانک مورد مطالعه در حالی برابر ۵/۰۸ شده است و بالاترین نمره‌ای که می‌توانست کسب نماید معادل ۱۰/۶۳ می‌باشد. همچنین می‌توان اینگونه استنباط نمود در صورتی که CGI فقط برای یک بانک محاسبه گردد تفاوتی نمی‌کند به مؤلفه‌ها ضرایب اهمیت یکسان داده شود یا ضرایب اهمیت متفاوت.

۲. نتیجه‌گیری

امروزه حاکمیت شرکتی به عنوان ابزاری اثرگذار در اعمال فشار بر مدیریت به منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی که منجر به افزایش منافع ذینفعان خواهد شد، مطرح می‌شود (کیزی و دیگران؛ ۲۰۰۵). مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در راستای تشویق مدیران برای استفاده مؤثر از منابع شرکت و پاسخ‌گویی آنها به سهامدارانی که منابع خود را در اختیار آنها گذاشته‌اند، طراحی شده است (بلاک و دیگران؛ ۲۰۰۶). بر این اساس لازم است از یک طرف این مفهوم به صورت مناسب تبیین گردد و از طرفی راهکارهایی برای ارزیابی رعایت آن در نظام‌های مالی و اقتصادی مورد بررسی قرار گیرند. بر اساس ادبیات موجود هر تشکیلات اقتصادی که توانسته باشد ۴ اصل مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، شفافیت و انصاف را بهتر رعایت نماید، در رعایت الزامات حاکمیت شرکتی موفق‌تر عمل کرده است. مسئله اصلی که این مقاله آن را دنبال نمود این است چگونه و با استفاده از چه معیار، مؤلفه و شاخص‌هایی می‌توان سطح رعایت الزامات حاکمیت شرکتی را در یک بانک ارزیابی و شاخص حاکمیت شرکتی را برای آن اندازه‌گیری نمود.

در این مطالعه پس از بررسی مستندات مربوط، در گام نخست سه معیار اثربخشی ساختار هیأت مدیره، افشای اطلاعات و مسئولیت‌پذیری به عنوان اولین سطح از سنجش‌های قابل ارزیابی و توضیح‌دهنده رعایت اصول حاکمیت شرکتی انتخاب و معرفی شدند. به دلیل آنکه این سه معیار نیز کلی و غیرقابل اندازه‌گیری بودند در سطح دوم برای هر کدام از معیارهای انتخاب شده

۱. البته در صورتی که تمامی مؤلفه و معیارها از یک ضریب اهمیت یکسانی برخوردار بودند حداکثر امتیازی که بانک می‌توانست کسب نماید معادل ۱۲ واحد بود.

تعدادی مؤلفه و در مجموع ۱۷ مؤلفه معرفی شدند که همچنان نیاز به سطح دیگری از سنجش‌های قابل اندازه‌گیری وجود داشت. در سطح سوم نیز برای هر کدام از مؤلفه‌ها تعدادی شاخص و در مجموع ۱۵۳ شاخص که می‌توان بر اساس رعایت یا عدم رعایت کامل، به آنها ارزش مشخصی را تخصیص داد معرفی شدند. مجموعه معیار، مؤلفه و شاخص‌ها که در ذیل اصول حاکمیت شرکتی تعریف شده‌اند، مدل ارزیابی حاکمیت شرکتی در یک بانک را تشکیل می‌دهند که می‌تواند مبنای ارزیابی رعایت حاکمیت شرکتی در یک بانک قرار گیرد و برای انجام رتبه‌بندی بانک‌ها از منظر رعایت اصول حاکمیت شرکتی نیز قابل استفاده خواهد بود.

همچنین در این مطالعه به منظور آزمون میزان کارایی مدل معرفی شده و با استفاده از اطلاعات منتشر شده و سایر اطلاعات به‌دست آمده یک بانک غیردولتی بورسی میزان ارزش هر کدام از شاخص‌ها به‌دست آمد که با لحاظ ضرایب اهمیت تعیین شده اندازه شاخص حاکمیت شرکتی برای آن بانک به‌دست آمد. نتایج نشان داد که بانک مورد نظر در حدود ۵۰ درصد امتیاز کامل را کسب نمود که بیانگر وجود نارسایی‌های قابل ملاحظه در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی بوده است.

یکی از مؤلفه‌هایی که در بانک مورد نظر کمترین میزان ارزش کسب گردیده است مؤلفه مسئولیت شرعی بانک می‌باشد که با توجه به ساختار نظام بانکی کشور مبنی بر غیرربوبی بودن ناسازگاری داشته و مؤید نقدهایی است که بر عملکرد بانک‌های کشور از این حیث می‌باشد.

ایجاد کمیته نظارت شرعی، اعلام نحوه محاسبه سود قطعی، محاسبه سالانه آن و اعلام میزان سود قطعی پرداخت شده بر اساس دستورالعمل افشا در کنار افشای راهبردهای سرمایه‌گذاری به عنوان مضارب در مورد حساب‌های سرمایه‌گذاری از جمله مواردی است که در بانک مورد نظر کمتر به آنها توجه شده و سبب شده است بانک در قبال مسئولیت شرعی از حیث شاخص‌های حاکمیت شرکتی امتیاز قابل قبولی کسب ننماید. البته این مسئله نمی‌تواند برای قضاوت درباره نحوه اجرای عقود و سایر مسائل مرتبط با بانکداری بدون ربا مورد استفاده قرار گیرد و صرفاً مربوط به رعایت الزامات حاکمیت شرکتی خاص نظام‌های بانکداری اسلامی است.

منابع

- انواری رستمی، علی اصغر؛ حاجیان، نجمه و عادل آذر (۱۳۹۳)، "مقایسه تطبیقی جامعیت شاخص‌های اندازه‌گیری شفافیت اطلاعاتی و سطح افشاء اطلاعات در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته"، فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۱۴، صص ۱۴۳-۱۶۵.
- بادآور نهندی، یونس؛ قادری، صلاح‌الدین و رضا بهشتی نهندی (۱۳۹۲)، "تأثیر شفافیت اطلاعات حسابداری بر ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۶۸، صص ۸۲-۶۵.
- ستایش، محمدحسین و مجتبی کاظم نژاد (۱۳۸۹)، "بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیات مدیره بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابداری، شمار ۱، صص ۵۱-۲۹.
- حساس یگانه، یحیی (۱۳۹۴)، "مجموعه مقالات حاکمیت شرکتی"، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حساس یگانه، یحیی، سلیمی، محمد جواد (۱۳۹۰)، "مدلی برای رتبه‌بندی حاکمیت شرکتی در ایران"، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۳۰.
- حساس یگانه، یحیی و قدرت اله برزگر (۱۳۹۲)، "ارائه مؤلفه و شاخص‌های بعد اجتماعی مسئولیت شرکت‌ها و وضعیت موجود آن در ایران"، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، شماره ۱، صص ۲۳۴-۲۰۹.
- حساس یگانه، یحیی؛ رئیس، زهره و مجتبی حسینی (۱۳۸۸)، "رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه علوم مدیریت ایران، شماره ۱۳، صص ۱۰۰-۷۵.
- رنجبر، هادی؛ حق‌دوست، علی اکبر؛ صلصالی، مهرنوش؛ خوشدل، علیرضا؛ سلیمانی، محمد علی و نسیم بهرامی (۱۳۹۱)، "نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع"، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتس، شماره ۳، سال دهم، صص ۲۵۰-۲۳۸.
- صالحی عمران، ابراهیم؛ ثابتی، عبدالحمید و سودابه حسن زاده (۱۳۹۱)، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال چهارم، شماره دوم.
- عیسایی تفرشی، محمد و جمشید یحیی‌پور (۱۳۹۲)، "تئوری ذینفعان با رویکرد مقررات شرکت‌های سهامی عام"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۳۳، صص ۱۶۷-۱۳۹.

عباس‌زاده، محمدرضا؛ حصارزاده، رضا؛ جباری نوقایی، مهدی و سولماز عارفی اصل (۱۳۹۳)، "فراتحلیل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۱، صص ۵۹-۸۴.

فغانی ماکرانی، خسرو؛ حیدری رستمی، کرامت‌اله و وحید امین (۱۳۹۵)، "بررسی رابطه میان مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ریسک کاهش قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار"، فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری، شماره ۱۹.

کاشانی‌پور، محمد؛ کریمی، حسن و ولی‌اله کریمی (۱۳۹۳)، "بررسی ارتباط بین ساختار هیأت مدیره و مالکیت شرکت با افشای اختیاری"، فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۱۴، صص ۱۶۸-۱۸۶.

نادری‌فر، مهین؛ گلی، حمیده و هدیه قلجانی (۱۳۹۶)، "گلوله برفی، روشی هدفمند در نمونه‌گیری تحقیقات کیفی"، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دوره چهاردهم، شماره ۳، صص ۱۷۱-۱۷۹.

نصیری اقدم، علی و زینب مرتضوی‌فر (۱۳۹۶)، "دلالت اقتصاد نهادی برای بهبود محیط کسب و کار"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۶۴، صص ۳۳-۵۵.

نمازی، محمد؛ رئیسی، زهره و مجتبی حسینی (۱۳۹۲)، "بررسی رابطه بین شاخص راهبری شرکتی و بازده سهامداران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۲۲، صص ۲۵-۵۱.

محمودزاده باغبانی، سعید و جواد پورغفار دستجردی (۱۳۹۳)، "تأثیر ساختار هیأت مدیره بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره ۵، صص ۱۰۵-۱۲۰.

مهربانی، فاطمه و یداله دادگر (۱۳۹۲)، "محاسبه شاخص حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار"، فصلنامه سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱، صص ۴۷-۶۸.

موسویان، عباس و میمنت ابراهیمی (۱۳۹۲)، "شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی"، نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی.

- Ajinkya, B; Bhojraj , S. and P. Sengupta** (2005). "The Association between Outside Directors, Institutional Investors and the Properties of Management Earning Forecast". *Journal of Accounting Research*. Vol. 43, No. 3, pp. 343-376.
- Akhtaruddin, M.; Hossain, M.A.; Hossain, M. and L. Yao** (2009). "Corporate Governance and Voluntary Isclosure in Corporate Annual Reports of Malaysian Listed Firms". *JAMAR*, Vol. 7 · No1.
- Black, B.; Jang, H. and W. Kim** (2006), "Does Corporate Governance Predict firms' Market Values?" *Evidence from Korea*.
- Black, Bernard** (2001), "the Corporate Governance Behavior and Market Value of Russian firms", *Emerging market review* 2, PP. 89-108.
- Beasley, M.S.** (1996), "An Empirical Analysis of the Relation between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud", *The Accounting Review*, Vol.71, PP. 443-465.
- Bushman, R. and Piotroski, J. and A. Smith** (2004). "What Determines Corporate Transparency?" *Journal of accounting Research*. Vol. 42, No. 2, pp. 207-252.
- Chtourou, S.M.; Bedard, J. and L. Courteau** (2001), "Corporate Governance and Earnings Management", *Working Paper Series*, <http://ssrn.com/abstract=275053>.
- Chang, J. and H. Sun** (2009), "The Relation between Earnings Informativeness, Earnings Management and Corporate Governance in the Pre and Post-Sox Periods", *American Accounting Association Annual Meeting*.
- Chen, C.J.P. and B. Jaggi** (2000). "Association between Independent Nonexecutive Directors, Family Control and Financial Disclosures in Hong Kong", *Journal of Accounting and Public Policy*, No. 19, pp. 285-310.
- Cooke, T.E.** (1992). "The Impact of Size, Stock Market Listing and Industry Type on Disclosure in the Annual Reports of Japanese Listed Corporations", *Accounting and Business Research*, 22(87), pp. 229-237.
- Cooke, T. E.** (1989). "Voluntary Corporate Disclosure by Swedish Companies", *Journal of International Financial Management and Accounting*, No. 2, pp. 171-195 .
- Cahan, S. F. et al.** (2005). "Global diversification and corporate disclosure", *Journal of International Accounting Research*, 4(1) , pp. 73-93.
- Ferguson, M. J. et al.** (2002). "Voluntary Disclosure by State-owned Enterprises Listed on the Stock Exchange of Hong Kong", *Journal of International Financial Management and Accounting*, 13(2), pp. 125- 152.
- Firth, M.** (1984). "The Extent of Voluntary Disclosure in Corporate Annual Reports and its Association with Security Risk Measures", *Applied Economics*, 16(2), pp. 269-277.
- Godfrey, P.C. and N.W. Hatch** (2007) "Researching Corporate Social Responsibility: An Agenda for the 21st Century", *Journal of Business Ethics*, No.70, pp.87-98.
- Galli, D.; Elefanti, M.; G. Valotti** (2013), "From Corporate To Shared Social Responsibility: Community Governance and Social Capital Creation Through Collaboration " *APPAM International Sustainability & climate change, Research& insights*.

- Giner, B.** (1997). "The Influence of Company Characteristics and Accounting Regulation on Information Disclosed by Spanish Firms", *The European Accounting Review*, 16(1), pp. 45–68.
- Hossain, M.; Tan, L. M. and M. Adams** (1994). "Voluntary Disclosure in an Emerging Capital Market: Some Empirical Evidence from Companies Listed on the Kuala Lumpur Stock Exchange". *The International Journal of Accounting*, Vol.29, No.3, pp. 334–351.
- Harjoto, M.A. and H. Jo** (2011), "Corporate governance and CSR nexus". *Journal of Business Ethics*, 100(1), pp. 45–67.
- Hill Charles W.L. and M. Jones Thomas** (1992). "Stakeholder – Agency Theory" *Journal Of Managemnt Studies* , No. 29.
- Ho, SMS. Wong, KR.** (2001). A Study of the Relationship between Corporate Governance Structures and the Extent of Voluntary Disclosure. *J. Int. Account. Auditing & Taxation*, No. 10, pp. 139-156.
- Hossain, M. and M. Reaz** (2007). The Determinants and Characteristics of Voluntary Disclosure by Indian Banking Companies. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, No. 14, pp. 274-288.
- Jaggi, B. and P.Y. Low** (2000). "Impact of Culture, Market Forces and Legal System on Financial Disclosures", *The International Journal of Accounting*, 35(4), pp. 495–419.
- Klein, A.** (2002), "Audit Committee, Board of Director Characteristics and Earnings Management", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 33, pp. 375-401.
- Keasey, K.; Thompson, S. and M. Wright** (2005), *Corporate Governance*, John Wiley & Sons Inc.
- Dechow, P.M.; Sloan, R.G. and A.P. Sweeney** (1996). Causes and Consequences of Earnings .
- La Porta, Rafael, Florencio Lopez de-Silanes, Andrei Shleifer, Robert Vishny** (2002), "Investor Protection and Corporate Valuation", *Journal of Finance*.
- Lim, S; Matolcsy, Z. and D. Chow** (2007). "The Association between Board Composition and Different Types of Voluntary Disclosure". *European Accounting Review*. Vol. 16, No. 3, pp. 555-583.
- Molina, M.** (2010) "The Corporate Role in a Changing Society: A Model of Sensemaking and of Firm Characterization", PHD Thesis, Business School, Universitat Ramon Llull .
- McWilliams, Abigail and Siegel, Donald** (2000). "Corporate Social Responsibility and Financial Performance: Correlation or Misspecification?", *Strategic Management Journal*, 21(5), pp. 603-609.
- Nicholson, G.J. and G.C. Kiel** (2003), "BoardComposition and Corporate Performance: How the Australian Experience Informs Contrasting Theories of Corporate Governance", *Corporate Governance: An International Review*, Vol.11, pp. 189-205.
- Owusu-Ansah, S.** (1998). The Impact of Corporate Attributes on the Extent of Mandatory Disclosure and Reporting by Listed Companies in Zimbabwe. *Int. J. Account.* 33(5), pp. 605-631.

- Peasnell, K.V.; Pope, P.F. and S. Young** (2000), "Accrual Management to Meet Earnings Targets: U.K. Evidence Pre and Post-Cadbury", *The British Accounting Review*, Vol. 32, PP. 415-445.
- Patton, J. and I. Zelenka** (1997). "An Empirical Analysis of the Determinants of the Extent of Disclosure in Annual Reports of joint Stock Companies in the Czech Republic", *European Accounting Review*, 6(4), pp. 606-626.
- Palliam, R. and Z. Shalhoub** (2003), "The Phenomenology of Earnings Management within the Confines of Agency Theory", *International Journal of Value-based Management*, Vol. 16 No. 1, pp. 75-88.
- Raffournier, B.** (1995). "The Determinants of Voluntary Financial Disclosure by Swiss listed Companies". *Eur. Account. Rev.* 4(2), pp. 261-280.
- Silveria, A.** (2004), "Governança Corporativa e Estrutura de Propriedade: Determinantes e Relação com o Desempenho das Empresas no Brasil, doctoral dissertation", *Universidade de São Paulo*, Brasil.
- Visser, W.** (2012) , *The Age of Responsibility: CSR 2.0 and the New DNA of Business*, John Wiley & Sons Ltd.
- Wallace, R.S.O. and K. Naser** (1995). "Firm-specific Determinants of Comprehensiveness of Mandatory Disclosure in the Corporate Annual Reports of Firms Listed on the Stock Exchange of Hong Kong", *Journal of Accounting and Public Policy*, 14(4), pp. 311-368.